

ضرب‌الاجل یک هفته‌یی رییس مجلس سنا به حکومت:

خود در برابر ظاهر قدیر و لالی واکنش نشان می‌دهم

زاخیلوال دادگاهی شود



مجلس نماینده‌گان مشاور اقتصادی رییس‌جمهوری را به سازماندهی بزرگترین فساد مالی و اختلاس در افغانستان متهم کرد.

نمایندگان با متهم کردن عمر زاخیلوال، مشاور اقتصادی محمد اشرف غنی به اختلاس و فساد مالی در قراردادهای وزارت دفاع و بحران مالی کابل بانک، از دولت خواستند وی را ممنوع‌الخروج کند.

عرفان الله عرفان، معاون دبیر مجلس از نهادهای قضایی خواست تا پرونده فساد مقامات بالای حکومتی به طور دقیق بررسی شود و در ... ادامه صفحه ۶



صفحه ۶

rferl.org (RFE/L)

ISI از ارگ چه می‌خواهد؟

رییس آی‌اس‌آی پاکستان با سفر به کابل، با رییس دولت وحدت ملی افغانستان به صورت پنهانی دیدار و در مورد روند صلح گفت‌وگو کرد. یک مقام دولتی که نخواست نامش فاش شود، گفت: جنرال رضوان اختر رییس آی‌اس‌آی روز چهارشنبه برای دیدار با رییس‌جمهور افغانستان به کابل سفر کرد. این مقام دولتی افغانستان افزود: رییس آی‌اس‌آی در دیدار با اشرف غنی بر حمایت کشورش برای متقاعد کردن طالبان به منظور پیوستن به روند صلح افغانستان تاکید کرده است.

این چندمین بار است که مقام‌های نظامی و استخباراتی پاکستان به دیدار رییس‌جمهور غنی به افغانستان می‌آیند.

برخی از دیدارهای جنرالان استخبارات پاکستان با

رییس دولت وحدت ملی افغانستان، از دید رسانه‌ها و حتا مقام‌های ارشد حکومتی پنهان مانده است. معلوم نیست طرف پاکستانی در این سفرها به دنبال چه اهدافی هستند. با این حال، اکثریت مردم و رهبران سیاسی افغانستان به تعهدات پاکستان در قبال کشاندن طالبان به پای میز مذاکره خوش‌بین نیستند. امرالله صالح رییس سابق امنیت ملی افغانستان نیز ضمن تأیید سفر پنهانی رییس آی‌اس‌آی به کابل و دیدار با اشرف غنی، از آن به عنوان دیپلماسی غلط و اشتباه اسلام‌آباد یاد کرد.

آقای صالح در صفحه فیسبوکش نوشته است: دوکتور غنی برای پاکستانی‌ها ۱۵ فبروری سال جاری را ضرب‌الاجل تعیین کرده بود. تاریخ ۱۷ فبروری رضوان اختر به کابل آمد و گفت که تهاجم ترور



تابستانی آغاز نخواهد شد و چوکات برای صلح و مذاکره ایجاد خواهد گردید. اما تهاجم ترور تابستانی آغاز گردید. سیاست سنتی و کارای پاکستان استوار بر تداوم جنگ فرسایشی و... ادامه صفحه ۶

ولسوالی ناوه غزنی پس از ۹ سال از کنترل طالبان خارج شد

مسولان امنیتی غزنی می‌گویند که نیروهای امنیتی پس از ۹ سال ولسوالی ناوه را از تصرف طالبان خارج ساخته‌اند.

اسدالله انصافی آمر امنیت فرماندهی پولیس غزنی به رسانه‌ها گفت: «دیروز نیروهای ارتش، پولیس و امنیت ملی طی عملیات بدر ولسوالی ناوه را از کنترل طالبان خارج ساخته‌اند.»

آقای انصافی افزود که تا کنون معلوم نیست که چه تعداد از نیروهای امنیتی در این ولسوالی مستقر خواهند شد.

غزنی از ولایات نا آرام کشور است که مخالفان دولت در شماری از ساحات آن حضور گسترده دارند.

مسولان می‌گویند که این عملیات به رهبری نیروهای ویژه امنیتی از ۱۳ روز به این سو از طرف شرق و جنوب ولسوالی ناوه برای خارج ساختن طالبان از این ولسوالی راه اندازی شده بود که دیروز به صورت



شمول اتباع پاکستانی کشته شده ۶۰ زخمی و ده نفر آنان اسیر شده‌اند.

آقای احمدی می‌گوید که در طی این عملیات شماری از راه‌های نا امن وده‌ها قریه جات ولسوالی‌های اندر وگیلان نیز از حضور طالبان درغزنی پاکسازی شده است.

مسولین امنیتی غزنی خارج ساخت این ولسوالی را از کنترل طالبان مهم خوانده می‌گویند که امنیت غزنی با مستقر شدن نیروهای امنیتی افغان دراین ولسوالی بهبود خواهد یافت.

به گفته مسولین تا هنوز پلان دولت جهت فعال سازی این ولسوالی و تشکیلات اداری آن معلوم نیست.

ولسوالی ناوه ولایت غزنی در طی ۱۳ سال گذشته از حاکمیت دولت خارج بود. تا کنون طالبان در این باره چیزی نگفته‌اند.

کامل این ولسوالی به کنترل دولت درآمد.

همچنان، محمد علی احمدی معاون ولایت غزنی گفت: «عملیات بدر که سوم ماه ثور سال جاری آغاز شده بود، دست آوردهای خوبی برای نیروهای امنیتی داشته که در نتیجه آن بیش از ۱۶۶ مخالف دولت به

در برگ‌ها



معادله چندمجهوله صلح در افغانستان



پایان بازی



تو می‌دانی چه‌طور سوت بزنی! به یاد لورن باکال



نیمان: از مسی درس‌های زیادی می‌آموزم

معادله چندمجهوله صلح در افغانستان



سخن ماندگار

نامنی‌های شمال؛ دو خوانش و دو راهکار

جدا از بحث‌های گسترده و پایان‌ناپذیر بر سر دوست و دشمن، در رابطه با نامنی‌های اخیر شمال دست‌کم در حال حاضر دو روایت کلان حکومتی وجود دارد. هرچند که این دو خوانش به هیچ‌وجه منافی یکدیگر و متناقض هم نیستند، اما بازم به نوعی نشانگر دو خط مشخص در حکومت وحدت ملی دوشاخه‌یی است.

رئیس‌جمهور غنی به عنوان سردمدار خط نخست، با منابع اطلاعاتی بی که دارد و با توجه به نگاه محافظه‌کارانه‌اش به عوامل داخلی این نامنی‌ها، ریشه تهدیدات امنیتی و سمارقی شمال را در «تروریسم بین‌المللی» می‌داند؛ در حالی که کسانی مانند عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، نورالحق علومی وزیر داخله و جنرال باب‌جان فرمانده پولیس بدخشان به عنوان نماینده‌گان خط دیگر، بیشتر دست‌های پنهان داخلی را در پس پرده این نامنی‌ها می‌بینند.

با وجود اختلاف‌نظرهای آسیب‌شناسانه‌یی که در میان این دو رویکرد وجود دارد، اما این دو دیدگاه به هیچ‌وجه منافی یکدیگر نیستند و چه بسا این که مکمل هم‌اند. به این معنا که اگر به پدیده نامنی‌های اخیر شمال با نگاهی جزم‌اندیشانه با تأکید صرف بر تک‌علتی بودن آن ننگریم، می‌توان گفت که این آفت به عنوان یک پدیده اجتماعی - سیاسی می‌تواند به صورت بالقوه علل و عوامل متعددی از جمله ریشه‌های منطقه‌یی - بین‌المللی و شالوده‌های داخلی داشته باشد. به این ترتیب باید گفت که نامنی‌های اخیر شمال، برآیند علل و عوامل مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان از یک‌سو به «تروریسم بین‌المللی و منطقه‌یی» اشاره کرد و از سوی دیگر، بر نقش گروه‌های مافیایی و شبکه‌های قاچاق داخلی با لابی‌های قدرتمند درون حکومتی انگشت گذاشت.

رئیس‌جمهور غنی وقتی از تروریسم بین‌المللی یاد می‌کند، خبر از ریشه دوانیدن نهضت‌های افراطی کشورهای آسیای میانه، روسیه، چین و پاکستان در صفحات شمال می‌دهد. برای چنین گروه‌هایی حضور و سلطه در ولایت‌هایی مانند بدخشان و کندز به معنای دست یافتن به کلید دروازه کشورهای همسایه از جمله پاکستان، چین، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی است.

گزارش‌های بسیاری به گونه مستقیم از حضور نیروهای هراس‌افکن خارجی در این نامنی‌های اخیر خبر می‌دهند و این به نحوی مؤید مدعای حضور تروریسم بین‌المللی در افغانستان است. از آن سوی دیگر، حملات اخیر ارتش پاکستان بر پایگاه‌های هراس‌افکنان در وزیرستان هم سبب شده که سیل عظیمی از این گروه‌های افراطی و هراس‌افکن به خاک افغانستان سرازیر شوند و سیاست عمق استراتژیکی که پیش از این دولت پاکستان در افغانستان پی‌گیری می‌کرد را تروریسم صادراتی آن‌ها در کشور ما تحقق بخشند. حضور داعش در افغانستان هم که حالا به عنوان تهدیدی عینی در مقابل امنیت افغانستان قرار دارد را نیز می‌توان در داخل همین مقوله «تروریسم بین‌المللی» گنجانند.

به این ترتیب باید پذیرفت که آن‌چه رئیس‌جمهور غنی از آن تحت عنوان «تروریسم بین‌المللی» یاد می‌کند، متأسفانه واقعیتی تلخ و چالشی جدید است که حکومت جدید باید در صدد آرایه راهکار برای آن باشد. با این وجود، تأکید صرف بر این روی سکه، چه از روی تعمد باشد و چه بر اساس سهل‌انگاری، حاصلی جز غافل شدن از ریشه‌های تنومند دیگر نامنی‌های شمال ندارد. وقتی مسوولان بلندپایه حکومت محلی و وزیر داخله بارها و بارها تأکید می‌کنند که ریشه‌های نامنی‌های اخیر در شمال را باید در درون حکومت کنونی و یا در میان دولت‌مردان حکومت پیشین یافت، به این معناست که تمام ماجرا به «تروریسم بین‌المللی» خلاصه نمی‌شود. وقتی جنرال باب‌جان و بسیاری از مقامات محلی دیگر، بر دست داشتن حتماً برخی از نماینده‌گان مجلس و اعضای حکومت در نامنی‌های اخیر به منظور تسهیل و تداوم کار شبکه‌های قاچاق مواد مخدر و معادن شمال تأکید می‌کنند، می‌توان گفت که تا کسی از درون عرصه را برای توطئه دشمن فراهم نکند، چنین نامنی‌هایی تقریباً محال است.

بر این اساس باید پذیرفت که به‌رغم حضور گروه‌های تروریستی خارجی در شمال، نمی‌توان و نباید دست‌های نامرئی داخلی را نادیده گرفت و از کنار آنان به‌آسانی گذشت. از این رو اگر وظیفه نیروهای فداکار امنیتی قلع و قمع دشمنان مسلح و متجاوزان خارجی است، وظیفه دولت وحدت ملی هم بریدن دست‌های خایبانیست که از یک‌سو نان و نمک مردم را می‌خورند و از سوی دیگر به‌خاطر منافع شخصی‌شان، زمینه حضور و فعالیت دشمنان در کشور را فراهم می‌کنند.

این نامنی‌ها بر دو فرض می‌تواند استوار باشد: فرض اول می‌تواند این باشد که این نامنی‌ها از سوی طالبان و با انگیزه بالا بردن توان چانه‌زنی نماینده‌گان آن‌ها در دوحه صورت می‌گیرد. به این معنا که نیروهای رزمی طالبان می‌کوشند تا برای وارد شدن نماینده‌گان‌شان در قطر از موضع قدرت، مناطق مختلف کشور را تا حد ممکن ناامن کنند.

این اقدامات هرچند می‌تواند دست آن‌ها را در میز مذاکره بالاتر ببرد، اما از سوی دیگر، گسترش فضای بی‌اعتمادی در روند دیپلماتیک از پیامدهای منفی آن به حساب می‌آید. به بیان دیگر، اگر طالبان خود را عامل نامنی‌های اخیر می‌دانند، چه ضمانتی وجود دارد که پس از دست یافتن به توافقات با حکومت کابل، همچنان به راه امروز خود نروند؟

فرض دوم می‌تواند این باشد که اصلاً گروه طالبان در نامنی‌های اخیر دست ندارد و چنان‌که رئیس‌جمهور غنی و یا سایر مسوولان گفته، همه چیز زیر سر «تروریسم بین‌المللی» و یا «قدرتمندان داخلی» است. اگر این فرض هم درست باشد، بازم به نظر می‌رسد که مذاکره با طالبان هیچ گرهی از کار نامنی‌ها نمی‌گشاید. به این معنا که اگر قرار باشد پس از مصالحه با طالبان و پرداختن امتیازات کلان، بازم نامنی‌ها در این سرزمین نفرین‌شده تداوم یابد، همان بهتر که این مذاکرات از همان آغاز بی‌نتیجه پایان یابد.

با مرور همه این موارد، شاید هنوز هم پیدا کردن یک راه‌حل منطقی حتا در وادی نظر و اندیشه کاری دشوار باشد؛ چه رسد به این‌که در عمل به رویای امنیت و ثبات در کشور دست یابیم. شکی نیست که حتا سران دولت وحدت ملی هم نقشه راه درست و موفقی برای صلح ندارند. زیرا معادله صلح و امنیت در افغانستان، پیچیده‌تر از آن چیزی است که در مخیله یک یا چند رهبر سیاسی می‌گنجد. از این رو شاید بهترین راه‌حل ممکن، حمله به سوی صلح با استفاده از تمام نیرو و در چند بُعد مختلف است؛ کاری که تنها از عهده یک حکومت مدبر و مردمی منسجم و با برنامه ساخته است!

کار می‌کنند. با این وجود، پاسخ رئیس‌جمهور غنی به این ادعاها، چیزی جز ظفره رفتن از انگشت‌های اتهام نبود؛ رئیس‌جمهور غنی در بدخشان و جلال‌آباد، هر بار «تروریسم بین‌المللی» را علم کرد و به این ترتیب، روی اتهام‌هایی که به سمت حکومت او و حکومت سلفش بود، خاک ریخت. رئیس‌جمهور غنی هرچند با بی‌تفاوتی از کنار این اتهام‌ها گذشت، اما در عرصه عمل، حداقل نشان داد که به‌راستی تا جایی در صدد پناه بردن به دامن اجتهاد برای مقابله با این تروریسم خدانشناس است. در اعلامیه‌یی که هفته گذشته از آدرس ارگ ریاست‌جمهوری منتشر شد، به کار رفتن یک آیه شریف از قرآن عظیم‌الشأن به منظور محکوم کردن قاتلان مردم، از جمله اقداماتی بود که نشان‌دهنده عزم و اراده ارگ در راه مبارزه با هراس‌افکنی است.

این در حالی است که در کنار همه این‌ها، حکومت وحدت ملی همچنان بر روی پروژه مصالحه با طالبان از طریق مثلث پاکستان - عربستان - چین با میزبانی قطر حساب می‌کند. هرچند چشم بسیاری‌ها از این گفت‌وگوهای تازه در دوحه آب نمی‌خورد، اما به هر حال این همان روندی است که سران حکومت وحدت ملی به‌ویژه رئیس‌جمهور غنی خیلی روی آن سرمایه‌گذاری کرده است.

نماینده‌گان گروه طالبان در روز آغازین این روند، بار دیگر بر طبل خواسته‌های حداکثری‌شان از دولت افغانستان کوبیده‌اند که در میان آن‌ها، خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان، حذف نام سران این گروه از لیست سیاه و رفع فشارهای سیاسی از این گروه، از خواسته‌های اصلی آن‌ها به شمار می‌رود. جدا از این‌ها، در این که آن‌ها خواهان سهم چشم‌گیری در قدرت سیاسی هستند نیز شکی نیست. شرط تعدیل قانون اساسی هم همواره یکی از خواسته‌های جدی آن‌ها بوده که با توجه به همه این موارد، به نظر می‌رسد که راه دست یافتن به یک صلح پایدار، اگر نه امری محال، لاقفل امری دشوار است.

از سوی دیگر حملات گسترده و نامنی‌های اخیر در اقصا نقاط کشور، درست زمانی که طالبان پذیرفته‌اند به پای میز مذاکره بروند، امری مشکوک و نگران‌کننده است. زیرا

هفته گذشته وزارت داخله افغانستان اعلام کرد که در حملات شورشیان بر شماری از پوسته‌های امنیتی در ولسوالی وردوج بدخشان، سیزده پولیس کشته و هفده تن آنان زخمی شده‌اند. این در حالی است که برخی از منابع، تعداد تلفات و مفقودشده‌گان را بیش از این گزارش داده‌اند. این حمله گروهی دشمنان، پس از شیخون ۲۱ حمل سال جاری در ولسوالی جرم این ولایت، دومین حمله خون‌بار تروریستان بر نیروهای امنیتی ما بوده که به‌صورت وقفه‌یی و به گونه غافل‌گیرانه در این ولایت به‌وقوع پیوسته است.

با همه این‌ها اما بدخشان در این شرایط تنها ولایت ناامن در کشور نیست؛ حملات گسترده دشمن بر چندین ولسوالی ولایت کندوز و پیش آمدن آن‌ها تا چندکیلومتری مرکز این ولایت هرچند تا حدی دفع شد، اما نشان داد که بهار امسال، فصل رویش حملات گسترده و سازمان‌یافته دشمنان هم است. کوچیدن و بی‌جا شدن هزاران روستائین از ولسوالی‌های این ولایت، گواه مبرهنی بر نامنی‌ها و هراس‌افکنی‌های جدید است.

حمله گسترده یک‌هزار نفری دیگری که به ولسوالی بالابلوک ولایت فراه صورت گرفته بود هم، هرچند به همت نیروهای امنیتی کشور پس زده شد؛ اما تأیید دیگری بر نتیجه‌گیری بالاست. سایر ولایات کشور هم این روزها روزگار خوشی ندارند؛ در ولایاتی که جنگ و حملات روبه‌رو نباشد، انتحار و انفجار حداقل تهدید امنیتی بالقوه به شمار می‌رود. این یعنی متأسفانه ما در وضعیت امنیتی خوبی به‌سر نمی‌بریم!

علی‌رغم همه این نامنی‌ها، نیروهای امنیتی کشور همچنان مصمم به نظر می‌رسند؛ حتا مصمم‌تر از پیش! مقامات بلندپایه امنیتی از جمله شخص وزیر داخله با سفر به ولایات ناامن و میدان‌های نبرد، نشان دادند که مردانه در برابر ددصفتان زمانه ایستاده‌گی می‌کنند. وزیر داخله حتا در میدان حرف و نظر نیز با نشانه رفتن به دستان داخلی در نامنی‌های اخیر شمال، نشان داد که می‌خواهد با مردم صادقانه برخورد کند. پیش از این هم عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ گفته بود که دست‌هایی از حکومت امروز و دیروز در پس این نامنی‌های سازمان‌یافته

یادبود از استاد خلیل الله خلیلی در دانشگاه کابل



ادب فراهم آورد. او ادبیات فارسی و علوم دیگر از قبیل منطق، تفسیر و حدیث را به نحو خجسته نزد استاتید زمان خود فرا گرفت. استاد خلیلی زمانی که شانزده ساله بود، در مکتب میرچه کوت ولایت کابل به شغل آموزگاری پرداخت. به اثر لیاقتی که داشت، در وزارت مالیه به صفت منشی مخصوص و بعداً به حیث مستوفی ولایت بلخ مقرر گردید و همچنان برای مدتی به صفت حاکم مزار شریف اجرای وظیفه کرد. استاد خلیل الله خلیلی مدت سیزده سال در دفتر صدارت کار کرد و به اثر مخالفت های سیاسی، چهار سال از عمرش را در تبعید و حبس سپری کرد و بعد از رهایی به صفت معاون دانشگاه کابل منصوب شد و بعداً به مناصب متعدد از جمله رییس مستقل مطبوعات افغانستان و مشاور مطبوعاتی محمدظاهر شاه و وکیل در پارلمان و برای مدتی هم به عنوان سفیر افغانستان در عراق و عربستان انجام وظیفه کرد. پس از سرنگونی حکومت محمد داوود خان، به دست کمونیست ها به اجبار ترک وطن کرد و مدتی کوتاه در نیوجرسی ایالات متحده آمریکا به سر برد و در سال های آخر عمر به پاکستان آمد. استاد خلیلی در مجموع ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان دارد. سرانجام در چهاردهم تیر سال ۱۳۶۶ خورشیدی، در یکی از شفاخانه های اسلام آباد پاکستان درگذشت و در پیشاور دفن شد، اما جسدش پس از ۲۵ سال به کابل انتقال داده شد و در سال ۱۳۹۱ خورشیدی، در دانشگاه کابل در جوار مقبره سید جمال الدین دوباره دفن گردید. برنامه یادبود از بیست و هشتمین سال نبود استاد خلیلی با گذاشتن اکلیل گل بر آرامگاهش به پایان رسید.

دوباره سخن از درد بیرون می شود. آقای مسعود با اشاره به شرایط امروز افغانستان گفت که ما امروزه در جهان ناآرام به سر می بریم و با الهام از سروهای استادان بزرگ ادبیات مان می توانیم به آرامش برسیم و دیوارهای قومی، سمتی و زبانی را بشکنیم. مسعود خلیلی سفیر افغانستان در اسپانیا و یادگار استاد خلیل الله خلیلی آخرین سخنران این برنامه بود که سخنانش را با شعرهای استاد آغاز کرد. آقای خلیلی گفت: «بیشتر از چهل سال با پدرم بودم؛ چیزی که از او دانستم این بود که برایم می گفت: پسر! اول عشق به خدا داشته باش و بعد از آن عشق به وطن؛ محتاط باش که در عشق منطق نیست و در عشق فداکاری و قربانی ست. هرگاه منطق را با عشق یکجا کنی در افغانستان زنده گی کرده نمی توانی.» پسر استاد خلیلی هم چنان گفت: استاد خلیل الله خلیلی همواره به عدالت اجتماعی تأکید می کرد و می گفت: پسر! حرام خوار مباش. مال بیوه زن را دزدی مکن. خانه بلند بر اساس فقر ملتت نساز. درد ملت را بدان و آنچه می توانی برای وطن انجام بده و اگر نمی توانی ضرر نرسان. فرزند استاد خلیلی خاطر نشان کرد که استاد خلیلی تا آخرین دم زنده گی دلش برای وطنش می تپید و از چشمه ساران و مردمان با شهامت سرزمینش یاد می کرد و میگفت: آه! آزادی وطنم را ندیدم؛ اما، باور دارم که به همت مجاهدین افغانستان آزاد می شود. استاد خلیل الله خلیلی در سال ۱۲۸۴ خورشیدی، در باغ جهان آرای کابل چشم به جهان گشود. مادرش از کوهستان کاپیسا و پدرش از جبل السراج ولایت پروان بود. در هفت سالگی مادر را از دست داد و در یازده سالگی پدرش به دست امان الله خان، پادشاه وقت کشته شد. او با مشکلات روزگار دست و پنجه نرم کرد و به اثر استعداد و همت بلندش توانست از هر خرمن، توشه یی از هنر و

سالها مطالعه ژرف و دقیق به دست آورده است. استاد رفعت با اشاره به کارهای نثری استاد خلیل الله خلیلی تأکید کرد که او در نثرهایش نیز از آگاهی ژرف زبانی برخوردار است که این آگاهی در کارهای او تأثیر بسزایی داشته است. این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش یادآور شد که استاد خلیلی همواره تلاش کرده تا شعرش را از جغرافیای زده گی و مفهوم زده گی بیرون بکشد و برای بشریت و انسانیت شعر بسراید؛ او نگاه عمیق به فلسفه زنده گی نیز داشت که در شعرهای او به فراوانی دیده می شود. استاد رفت گفت که استاد خلیلی را می توان یک متفکر نیز به شمار آورد. در این حال، احمدولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود با ستایش از برگزارکنندگان برنامه بیست و هشتمین سال نبود استاد خلیل الله خلیلی گفت که آرزو داریم تا این برنامه را در سال های بعد با همکاری هم دیگر با شکوه تر برگزار کنیم. آقای مسعود گفت که استاد خلیلی نام بزرگی ست که در حوزه تمدنی ما حضور دارد و همه از او و کارکردهایش به نیکویی یاد می کنند و به او ارج می گذارند.

رییس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود در ادامه سخنانش افزود: استاد خلیل الله خلیلی در جریان زنده گی اش کارهای ارزنده یی را برای فرهنگ و ادب ما انجام داد و او بود که با سروده هایش به مجاهدین و آزادی خواهان روحیه و انگیزه بخشید و سخن او در سراسر کشور دیدگاه واحد برای آزادی طلبی به میان آورد. او گفت: وقتی بعضی از سروده های استاد را می خوانم حس می کنم که تلاش می کند تا سخنش را به اوج برساند؛ اما، دردی که درون استاد نهفته است، او را در این کارش رها نمی کند و

از بیست و هشتمین سالروز درگذشت استاد خلیل الله خلیلی شاعر، نویسنده و پژوهشگر نام آور ادبیات فارسی در دانشگاه کابل یادبود شد. در این برنامه که از آدرس جریان «شعر دانشگاه» روز چهارشنبه هفته گذشته برگزار گردیده بود، شمار زیادی از دانشجویان، استادان دانشگاه، نخبگان سیاسی و اعضای خانواده استاد خلیلی اشتراک کرده بودند. برنامه با خواندن شعر آغاز شد و نخستین سخنران محمدرحیم یمین استاد دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل بود. او شخصیت و شعر استاد خلیلی را فراتر از افغانستان دانسته گفت: استاد خلیلی با درک این که شعر افغانستان در سده اخیر به دوره فترت رسیده، با الهام و خوانش متن های پیش گامان زبان فارسی، شعر افغانستان را از این حالت بیرون کشید و روح تازه به آن دمید. این استاد دانشگاه هم چنان گفت که استاد خلیلی خود از پیشگامان شعر نو و شعر مقاومت در افغانستان است و در این زمینه ها، کارهای فراوانی از او به یادگار مانده است. استاد یمین، مشخصه دیگر کارهای استاد خلیلی را جهان بینی او دانسته خاطر نشان کرد: «استاد خلیلی سیاست عصر را در داخل و خارج از کشور تحلیل کرده بود و به این نتیجه رسیده بود که سیاست تنها بهره کشی از مردم و رسیدن به مقصد خودی است.»

احمدضیا رفعت، شاعر و استاد دانشکده ژورنالیسم دانشگاه کابل و یکی دیگر از سخنرانان این برنامه گفت: «خلیلی شعر دردآلود دارد؛ او از کودکی تا پیری دردهای زیادی را کشیده که او را به یک شاعر واقع گرا تبدیل کرده و او در سروده هایش به تصاویر ملموس پرداخته است.» استاد رفعت هم چنان گفت: در پشت واژه های استاد خلیلی اندیشه نهفته که او این اندیشه را از



بخش سوم



بخش ششم

پایان بازی



بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای امار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش افرنی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارایه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

این نیروی عظیم را در جهت اخلاص نظام به شیوه‌های مختلف (اعتیاد به مواد مخدر، جرایم جنایی، مهاجرت به بیرون از کشور، آله دست گروه‌های تروریستی و افراطی قرار گرفتن و...) سوق دهد؛ تبعیض و خشونت علیه زنان به شیوه‌های مختلف و در ابعاد متعدد خانواده، محیط کار، حضور در اجتماع و...؛

- در ابعاد مختلف زندگی سیاسی- اجتماعی افغانستان، نسل میانه با کمبود شدید کادر مواجه است. ساختارهای دولتی هم از این کمبود رنج خواهند برد؛ چون به گونه طبیعی، نسل سالخورده باید از میدان کنار برود و نسل جوان هم هرچند دانش جدید را با خود دارد، از تجربه کافی برخوردار نیست. این شکاف سنی، نیاز به رسیدگی سریع و گسترده برای پر شدن دارد.

یادداشت: بسیاری از مواردی که در بالا به عنوان امتیازهای دولت وحدت ملی به آن‌ها اشاره شد، در صورت نبود برنامه‌ریزی‌های دقیق و پاسخگو، می‌تواند برعکس، به عنوان چالش‌ها و موانع بزرگی در برابر این دولت قد علم کنند.

۱-۳ پیچیده‌گی اجتماعی

با وجود این که نفوس افغانستان در تناسب به مساحت آن زیاد نیست (ما با کمبود نفوس مواجه هستیم در حالی که در آینده نزدیک، نفوس کشورها در معادلات جهانی، از عوامل تعیین‌کننده خواهد بود) ولی پیچیده‌گی‌های ساختارهای اجتماعی در افغانستان، به اندازه‌ی ست که در برخی موارد حتا برای خود افغانستانی‌ها قابل فهم، درک و تحمل نمی‌باشد.

۱-۳-۱ عنصر قوم و زبان

در مقایسه به نفوس کم افغانستان، تعداد اقوام در این کشور زیاد است. در این میان، دست‌کم چهار گروه قومی (ازبک، تاجیک، پشتون و هزاره) در حال حاضر بیشترین سهم را در ساختارهای قدرت دارند. اقوام دیگر نیز به میزان‌های مختلف در این ساختار سهم دارند؛ ولی واضحاً سهم‌شان کمتر از آنچه باید، است.

این اقوام هرچند حالا در درون یک ساختار با هم کار می‌کنند، تنش‌های شدیدی را پشت سر گذاشته‌اند و بحران اعتماد میان

آن‌ها، در حد مزمن است. از نگاه سیر تحول تاریخی، گریزپذیر نبوده که چنین تنش‌هایی ایجاد نشود؛ چون حاکمیت طولانی یک قوم بر کشور سبب شده بود عقده‌های فراوانی در میان اقوام دیگر به وجود بیاید.

از این‌جا بود که در دهه هفتاد خورشیدی، انفجار این عقده‌ها سبب درگیری‌های خونین در افغانستان شد. در سال‌های بعد هم نه تنها این تنش‌های قومی کاهش نیافت؛ بلکه به انواع مختلف به تشدید آن پرداخته شد.

انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، یک‌بار دیگر عمق و پهنای این تنش‌ها را به نمایش گذاشت. با وجود این که تنش‌های قومی دوران انتخابات خشونت‌بار نبود، ولی نشانه‌های واضحی از وجود شکاف عمیق میان این اقوام داشت.

حالا با تقسیم قدرت میان اقوام مختلف، زمینه کاهش این اختلافات به میان آمده است و در پنج تا ده سال آینده، این تنش‌ها سیر نزولی سریعی را خواهد پیمود.

در این میان، نقش نسل جوان قابل ملاحظه خواهد بود. هرچند نسل جوان نیز به دلیل سیاست‌های قوم‌گرایانه اسلاف خود، درگیر تعصبات قومی شده‌اند، به‌ویژه در جریان انتخابات و این تعصب را در رفتار و گفتار آنان می‌شود دید؛ ولی در حقیقت این نسل با شیوه برخورد متفاوت، راهش را به سوی ساختارهای قدرت باز خواهد کرد.

واضح است که پس از این، سیاست‌های قومی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه جدید افغانستان باشد، به همین دلیل در سال‌های آینده تنها سیاست‌مدارانی موفق خواهند بود که ثابت بسازند از این افکار دور استند یا حد اقل در کنش‌های سیاسی‌شان از آن پرهیز می‌کنند.

این حالت در کنار افکار جدید نسل نو، از عوامل عمده کاهش تنش‌های قومی در سال‌های آینده خواهد بود.

این هم درست است که دلایل فراوانی برای احتمال ادامه قومیت‌زده‌گی در افغانستان وجود دارد؛ ولی در یک مقایسه میان گذشته‌های مملو از تعصب و تنش‌های قومی و آینده‌ی که در این نوشته به آن پرداخته خواهد شد، زمینه‌های مناسبی برای کاهش تنش‌های قومی و افکار قوم‌گرایانه به وجود خواهد آمد.

جهت‌گرفته محیط کار را بهینه کنیم؟

احسان امینایی چترودی

با چند گلدان کوچک طراوت را به محیط کار اضافه کنیم. همان‌طور که گفته شد، بخش عمده زمان ما در محل کار می‌گذرد، پس اندکی هزینه کردن برای آن ارزشش را دارد. از آن مهم‌تر این که این ایده می‌تواند به عنوان بخشی از فرهنگ سازمانی (organization culture) درآید و دیگران را هم به تقلید از ما تشویق کند. در نهایت به صورت خودکار محل کاری «سبز» و دل‌پذیر خواهیم داشت. ایده دوم ترغیب دوستان به تفکیک زباله‌ها به‌ویژه کاغذباطله‌ها برای بازیافت دوباره است.

نقش موسیقی‌های ملایم در کاهش تنش و ناهنجاری‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. از وجود معجزه‌آسای آن در محیط کاری غافل نباشیم. با هماهنگی با همکاران و با میزان صدایی که مخل کار دیگران نباشد در محیط کار به‌ویژه در ساعات پایان کار می‌توانیم از آن بهره بگیریم.

از هر مناسبتی برای با هم بودن، بهره بگیریم. جشن تولد، ازدواج، افتتاح و اتمام پروژه‌ها همه‌گی می‌توانند بهانه خوبی برای جشن گرفتن و شاد بودن باشند. گاهی همکاران را به خوردنی یا نوشیدنی هرچند مختصر دعوت کنیم و از نظرات و خلق‌وخوی آن‌ها آگاه شویم. خیلی از تنش‌ها به خاطر عدم شناخت کافی از یکدیگر روی می‌دهد و در شوک‌هایی که در زنده‌گی همچون از دست دادن نزدیکان روی می‌دهد، در کنار یکدیگر باشیم. از سه نیروی مخرب و ویران‌گر چه در محل کار چه در زنده‌گی شخصی برحذر باشیم و آن‌ها را به حداقل ممکن برسانیم. این سه نیروی اهریمنی، خشم و کینه و نفرت است. در کوتاه‌ترین زمان ممکن کدورت‌ها را برطرف کنیم. در انتقال تجربیات و دانش خود به دیگران تعلل نکنیم. این کار علاوه بر ایجاد دوستی بیشتر در سازمان، سازمان را به یک مدرسه و محیط یادگیری تبدیل می‌کند که در آن افراد احساس پوچی نمی‌کنند. منابع گوناگون و تازه‌های فناوری را به یکدیگر بیاموزیم، اگر به خصوص در مورد کار مشترک‌مان به مطلبی در وب‌سایت یا روزنامه و مجله‌ی برخورداریم، آن را برای همکاران ایمیل کنیم.

در مورد افراد تازه‌وارد به سازمان پیش‌داوری نکنیم، به آن‌ها فرصت و یاری دهیم تا خود را با شرایط وفق دهند. هم سازمان و هم خود ما به ایده‌های جدید نیازمندیم و بدانیم که آشنایی با یکی از این افراد می‌تواند مسیر زنده‌گی ما را عوض کند و موقعیت‌های بهتری در آینده در پیش روی ما قرار دهد. بسیاری از فرصت‌های شغلی و تحصیلی را دوستان جدید ایجاد می‌کنند، پس این اصل کلیدی مدیریت را به خاطر بسپاریم

«از تغییرات نهراسیم.»





تو می دانی چه طور سوت بزنی! بیج یاد لورن باکال

پیتر بردشاو

برگردان: صوفیا نصر الهی

لورن باکال، سخت، باهوش و جذاب، کارش را به عنوان یکی از مخلوقات ساخته شده توسط استودیوها شروع کرد و شمایل نمادین او از سرسختی، پارادوکسی بود که کارنامه اش را شکل داد. به خاطر نقش های فوق العاده ای که در فیلم های درخشان اولیه اش با بوگارت به او می دادند، لقب سرسخت به او اعطا شد. و بعدها او مجبور شد سرسختی واقعی را در برابر استودیوها از خودش نشان دهد. نقش های احمقانه را رد کرد، کارش را به حالت تعلیق درآوردند و بعد هم در دهه ۵۰ با مک کارتیسیم دچار چالش شد.

ازدواج افسانه ای او با همفردی بوگارت خودش باعث شد درجه سختی اش چه در داستان ها و چه در واقعیت گداخته تر هم بشود. یک نوع پیوستگی استراتژیک بین شان برقرار بود. او از نظر عموم، بخشی از سرسختی بوگارت را به خودش جذب می کرد (اگرچه بوگارت واقعی نسبت به آنچه که به مخاطبان اجازه می داد از طریق فیلم هایش از او درک کنند، روح خیلی حساس تری داشت). در آن ازدواج مهیج و شورانگیز که استودیوها عاشقش بودند و از آن می ترسیدند، یک بمب تبلیغاتی وجود داشت که تهدید بزرگی برای شان محسوب می شد: این که باعث شود ستاره شان سخت یا غیرقابل همکاری بشود.

امروز اگر به باکال نگاه کنیم، آن قدر منحصر به فرد به نظر می رسد که عجیب است فکر کنیم او در اصل به عنوان مدل ویکتوریا لیک در بازار تجارت کار می کرد. پرسونایی قابل تشخیص و یکه داشت: زیبا، با موهای مجعد درخشان و درشت هیکل، و صدایی با تن آرام که جذابیت خاصی به او می بخشید، در حالی که لباس های شیکش او را تبدیل به چیزی می کرد که کارمندان و اهالی خود هالیوود راهنمای مد سینما صدایش می کردند. کسی که تماشاگران زن فلم ها را ترغیب می کرد تا ستایشش کنند، از او تقلید کنند و با او حس همدلی داشته باشند.

اغلب اوقات با نگاه کردن به کارنامه اش به نظر می رسد که او از نقش یک دختر جوان رمانتیک مستقیم تبدیل به یک بانوی بزرگ شد و راستش تا حدودی این دقیقاً همان اتفاقی بود که افتاد. او در هر سنی تأثیر دوباره ای روی زنده گی اش در هالیوود می گذاشت، در حالی که چهره هایی مانند ایرنه دان و لورتا یانگ در گمنامی از سینما محو شدند. باور نکردنی است وقتی به این فکر می کنیم که او فقط نوزده سال داشت وقتی



رنج می کشید.

اولین حضور خارق العاده اش در سینما را با فلم داشتن یا نداشتن (۱۹۴۴) تجربه کرد. بازی در مقابل همفردی بوگارت به شیوه ای که باعث شود او ۱۰ سال پیرتر از سن واقعی اش به نظر برسد، یعنی حدوداً خودش را هم سن و سال بوگارت نشان داد. او طوری به نظر می رسید که انگار به بوگارت می گوید نیمه گم شده اش را پیدا کرده با این که در آن سن و سال به نظر می رسید در مقایسه با بوگارت، ممکن است یک پیشنهاد متفاوت به زنی سبک سر و بوالهوس باشد که بوگارت می خواهد فقط با او وقتش را بگذراند. دوباره به این نکته می رسیم که باکال یک محصول استودیویی بود: سبک و شیوه و مدی داشت که می توانست نوجوانان را روی پرده به طور حق به جانب و موجهی تبدیل به زنی جهان دیده بکند؛ چیزی که در موارد مشابه عملاً غیرممکن است. اگر چه این روند کمی فریب کارانه عوارض خودش را بر روی انسان باقی می گذاشت که باید تحملش می کرد. باکال اعتراف می کرد که هر چه قدر در فلم ها خون سرد و به ظاهر عاقل است، اعصابش روی صحنه حساسی متشنج بود و هر بار تا آخر عمرش از وحشت صحنه

نیازی نیست با من بازی کنی استیو. مجبور نیستی چیزی بگویی و مجبور نیستی هیچ کاری انجام بدهی. هیچ کاری. اوه شاید فقط باید سوت بزنی. تو می دانی چه طوری سوت بزنی، نه استیو؟

البته این حق و امتیاز ویژه مرد مسن تر است که به زن جوان تر مطیع و فروتن، راه های مهر ورزیدن را بیاموزد. باکال (به کمک فلم نامه نویسان جولز فورتمن و ویلیام فاکنر) این فرضیه را باطل می کند. فلم مشهور است که از سگرت کشیدن استفاده کرده تا به ارتباط میان زن و مرد اشاره کند. سوت زدن هم یک کنایه جدید و شوخ طبعانه از زاویه دیگر بود. دیوید تامسون هوشمندانه اشاره می کند که دیالوگ سوت زدن باکال شبیه یک نوع خودارضایی است. و خیلی هم ظالمانه و ویران گر است، چون باکال نه تنها دیالوگ را می گوید، که به بوگارت یاد می دهد چه طور این کار را انجام دهد.

حضور خارق العاده باکال روی پرده می بایست تبدیل به یک نیروی عظیم برای ساخت کمده می شد، اما احتمالاً در آن دوران به خنده های بی جا و زورکی شکننده در کمده های زن بیشتر نیاز داشتند. او در فلم «چه گونه با یک میلیونر ازدواج کنی؟» نقش یک مشتری خون سرد را بازی می کرد، در کنار مریلین مونرو و بتی گریبل، یکی از آن سه نفری بود که چشمش پی طلا بود. اما او در تمام طول فلم طوری به نظر می رسید که انگار کل ایده به دام انداختن یک

امروز اگر به باکال نگاه کنیم، آن قدر منحصر به فرد به نظر می رسد که عجیب است فکر کنیم او در اصل به عنوان مدل ویکتوریا لیک در بازار تجارت کار می کرد. پرسونایی قابل تشخیص و یکه داشت: زیبا، با موهای مجعد درخشان و درشت هیکل، و صدایی با تن آرام که جذابیت خاصی به او می بخشید، در حالی که لباس های شیکش او را تبدیل به چیزی می کرد که کارمندان و اهالی خود هالیوود راهنمای مد سینما صدایش می کردند. کسی که تماشاگران زن فلم ها را ترغیب می کرد تا ستایشش کنند، از او تقلید کنند و با او حس همدلی داشته باشند

شوهر ثروتمند، خیلی پست تر از شخصیت اوست و در حقیقت نقش یک زن مطلقه را بازی می کرد (من یکی از آن طلاق هایی داشتم که شما هیچ جا چیزی درباره اش نمی خوانید). لورن باکال شبیه یکی از آن مدل زن هایی بود که به صورت مستقل خودشان ثروتمند هستند و ثروت شان را از راه شکار فیل یا معامله با خارجی ها به دست آورده اند. مردها باید برای ازدواج با چنین زنی صف بکشند.

بعد از کارنامه ای که در آن روی صحنه تیاتر هم به اندازه سینما تحسین شد، باکال سراغ نقش های مکملی رفت که اعتبار سنگینی برایش به ارمغان آوردند، مثل نقشی که در فلم آینه ها دو چهره دارند (The Mirror Has Two Faces) بازی کرد. در آن فلم مادر غیر قابل تحمل باربارا استرایسند بود. قبل تر از آن در فلم پرستاره قتل در قطار سریع السیر شرق سیدنی لومت، نقش خانم هوپارد را داشت. زن ثروتمند آمریکایی در خارج که مظنون به قتل بود. داد و هوار راه می انداخت و آمرانه دستور می داد در حالی که آلبرت فینی در نقش هرکول پوارو مقابلش بود و به نظر می رسید ادب و متانت و قانون مداری او در سایه عصیانیت و کج خلقی حضور باکال، محو می شود. این جا دیگر هیچ ماجرای عاشقانه ای وجود نداشت. او ثروتمند و مدعی با رفتاری مردانه بود.

لورن باکال ویژه گی ستاره ها را داشت که بخشی از این ویژه گی توسط استودیوها به آن ها آموزش داده می شد: راه رفتن، چه طور سگرت کشیدن و شیوه آشامیدن، موج دار کردن دیالوگی که قرار بود بگوید. اما او علاوه بر این ها، یک غرور و بزرگ منشی ذاتی داشت. یک نوع جذابیت طبیعی ملکه وار. فلم های بزرگش را امروز نگاه کنید: داشتن یا نداشتن (to have and to have not) یا خواب بزرگ (the big sleep)، آن گاه متوجه می شوید با قدرت همیشه می تواند مجذوب تان کند.

میوه ممنوعه دانش و فرهنگ

شهید ثاقب

چند سالی است که عده‌ی معلوم‌الحال، همه‌ساله به بهانه‌های مختلف، نزدیک سفارت ایران در کابل گرد می‌آیند و با راه‌اندازی راهپیمایی، ایران را متهم به تهاجم فرهنگی در افغانستان می‌کنند.

فرض کنیم که این اتهام واقعیت دارد، پرسش این است: «چه چیزی در این تهاجم آنقدر خطرناک است که این عده را به وحشت انداخته است؟ آن «چیز خطرناک» چیست؟»

سال‌ها پیش وقتی شبلی دموکراتیک سقوط کرد و جای خود را به استبداد خالی نمود، مأموران پولیس به خانه پابلو نرودا، شاعر و نویسنده معروف شبلی، هجوم بردند و به بازرسی شروع کردند. وقتی سرگرد مسوول عملیات چیزی نیافت، از شاعر که در بستر بیماری افتاده بود معذرت خواست و گفت: «ببخشید عالی جناب، ولی به ما خبر داده بودند که چیز خطرناکی در این جا وجود دارد.»

حکایت می‌کنند که شاعر در پاسخ گفت: «بله، یک چیز خیلی خطرناک. اسمش شعر است.»

به نظر می‌رسد آن چیز خطرناکی که برخی‌ها را در افغانستان نیز نگران و خشمگین ساخته است، اسمش «فرهنگ» است. این‌ها از چیزی که هراس دارند، رشد ادبیات فارسی و فرهنگ مطالعه در افغانستان است که ارتباط مستقیم با محصولات فرهنگی و کتاب‌های ناشران ایرانی دارد.

باید هم بترسند، آن‌هم به دو دلیل:

یک: فاشیسم و تمامیت‌خواهی قومی ممکن نیست در سرزمینی به اقتدار برسد و حرف نخست را بزند مگر هنگامی که ملت‌های ستم‌دیده، فرهنگ و حافظه خود را از دست بدهند. میلان کوندرا می‌گوید: «ملت‌ها این‌گونه نابود می‌شوند که نخست حافظه‌های‌شان را از آن‌ها می‌دزدند، کتاب‌های‌شان را تباہ می‌کنند، دانش‌شان را تباہ می‌کنند، و تاریخ‌شان را نیز. و بعد کس دیگری می‌آید و کتاب‌های دیگری می‌نویسد، و دانش و آموزش دیگری به آن‌ها می‌دهد، و تاریخ دیگری را جعل می‌کند.»

با درک این مسأله است که فاشیسم و تمامیت‌خواهی قومی در افغانستان، از زمان امیر امان‌الله خان و محمود طرزی تا به امروز، همواره در ستیز با فرهنگ فارسی بوده و کوشیده با استفاده از ابزارهای مختلف - از اجبار یادگیری زبان پشتو گرفته تا تأسیس پشتوتولنه و جعل تاریخ - فرهنگ و هویت فارسی‌زبان‌های افغانستان را تضعیف و حتا - در صورت امکان - نابود بسازد. مرزکشی موهوم و خیالی‌بی که امروزه میان فارسی و دری صورت می‌گیرد و بر بنیاد آن از تهاجم فرهنگی ایران صحبت می‌شود، در حقیقت ادامه همان پروسه‌ی است که با محمود طرزی آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.

دو: قوم‌گرایی به مثابه یکی از انواع گروه‌گرایی، دانش را همان میوه ممنوعه‌ی می‌داند که باعث عصبان مردم علیه آموزه‌های تمامیت‌خواهی می‌شود و با احیای روحیه عدالت‌طلبی و برابری در میان مردم، باعث فروپاشی بهشت عدن تمامیت‌خواهان می‌گردد.

نگرانی به‌جایی است! این واقعیت است که اگر عزت‌الله فولادوند ایرانی نمی‌بود، من با «جامعه باز» کارل پوپر آشنا نمی‌شدم، و اگر رامین جهاننگلوی ایرانی نمی‌بود، از اندیشه‌های خشونت‌پرهیزی گاندی آگاه نمی‌گردیدم. من همین لحظه کتابی را می‌خوانم که «فوکو و گفت‌وگوی اجتماعی» نام دارد. این کتاب از کریستوفر فلزن است که توسط یک مترجم ایرانی به فارسی ترجمه گردیده است. این کتاب برای من سخن از «گفت‌وگو» و مبارزه علیه سلطه می‌گوید.

فرهنگ‌گاران ایرانی، جوانان ما را از طریق آشناسازی با افکار و اندیشه‌های بزرگ‌ترین متفکران عصر، عدالت‌خواه و خشونت‌پرهیز و ضدطلبانی بار آورده‌اند. جرم آن‌ها این است که با ترجمه آثار بزرگ‌ترین اندیشمندان، ما را علیه استبداد طلبانی بسیج نموده‌اند. امروزه اگر مشاهده می‌کنید که عده‌ی زیر نام «فعالان جامعه مدنی» علیه تمامیت‌خواهی ارگ ریاست جمهوری و خشونت‌گرایی طالبان می‌ایستند و مبارزه می‌کنند، به علت آشنایی‌شان با اندیشه‌هایی همین متفکرانی‌ست که توسط مترجمان ایرانی برای‌مان

معرفی گردیده است. بنابراین، پرسش این است که آیا برای گروه‌های تمامیت‌خواه جرمی بزرگ‌تر از عدالت‌طلبی و خطری بزرگ‌تر از کتاب، قابل تصور است؟ آن‌ها اگر دم در سفارت ایران رفته و از تهاجم فرهنگی آن کشور ننالند، از چه بنالند؟ از انتحارپرووری پاکستان؟!

سخن پایانی

روزی که عبدالباری جهانی به عنوان وزیر اطلاعات و فرهنگ معرفی گردید، شایعاتی در میان مردم پخش گردید مبنی بر این که او فرموده است کوشش خواهد کرد تا آثار فارسی را به دری ترجمه کند. در جمعی نشسته بودیم، یکی از دوستان از این سخنان منتسب به آقای جهانی اظهار نگرانی کرد و از شکل‌گیری موج جدید فارسی‌ستیزی توسط دولت افغانستان صحبت نمود. یکی از بزرگان نیز که در این جمع وجود داشت، نگرانی او را بی‌بنیاد خوانده و گفت هرباری که فاشیسم و تمامیت‌خواهی در این سرزمین علیه زبان شیرین فارسی موضع گرفته، فرهنگیان افغانستان بیشتر از پیش متوجه حساسیت موضوع گردیده و به حمایت از قند پارسی برخاسته‌اند. دیروز هم یکی از اعضای مجلس نماینده‌گان در جایی می‌گفت که آن‌قدر خدمتی را که نویسنده کتاب «سقاوی دوم» به داعیه عدالت‌خواهی کرده است، هیچ کس دیگری انجام نداده است؛ آخر، کتاب او باعث شد که مردم از عمق و ژرفای برنامه‌های فاشیسم در افغانستان آگاه شوند و مبارزات عدالت‌طلبانه‌شان را شدت بخشند.

از لابه‌لای گفته‌های این بزرگان چیزی را که می‌توان دریافت این است که راهپیمایی‌های کذایی، نه تنها به زبان‌مان تمام نمی‌شود، بل باعث وحدت و یکپارچه‌گی صفوف عدالت‌طلبان شده و عامل توجه بیشتر فارسی‌زبان‌ها به فرهنگ و آرای‌شان می‌گردد. یک چیز را تجربه تاریخی ثابت ساخته است: فارسی‌زبان‌ها حاضر هستند از قدرت سیاسی بگذرند، اما از فرهنگ‌شان هرگز!

IsI از ارگ چه ...

مذاکرات فریبنده با طرف افغانستان بوده است. شاید در زمستان پیشرو وقتی که در هر حال جنگ فروکش میکند پاکستانی‌ها کارهای نمایشی مانند زمستان گذشته انجام دهند. به خاطر بیرون رفت از این دایره باطل و «فکر داخل قوطی» هر آنچه را که نتیجه نداده دولت باید متوقف سازد و طرح نو بریزد. پاکستان و طالبان را باید خلع ابتکار کرد و این روال نیاز به دید متفاوت و روش متفاوت دارد.»

این در حالی است که چند روز قبل نیز مذاکرات غیر رسمی دو روزه هیأت افغانستانی و طالبان در قطر انجام شده بود.

فضل هادی مسلم‌پار رییس مجلس سنا، هفته گذشته با اشاره به گفت‌وگوی غیر رسمی میان هیأت افغانستانی و طالبان این کشور گفته بود: در مورد صلحی که بانی آن پاکستان باشد، خوش بین نیستم. مسلم‌پار افزود: با روند صلحی که گرداننده آن پاکستان باشد، مخالفم زیرا انگیزه اصلی اسلام‌آباد در این خصوص هنوز مشخص نیست. رییس مجلس سنا اظهار داشت: دولت پاکستان باید دست از حمایت و تأمین مالی گروه‌های افراطی بکشد و اگر خواهان برقراری ثبات و امنیت در منطقه است، با دولت افغانستان همکاری کند تا اقدامات اساسی برای از بین بردن این گروه‌ها صورت گیرد. سفر رییس آی‌اس‌آی به کابل در حالی انجام شده است که به عقیده

ضرب‌الاجل یک هفته‌ی رییس مجلس سنا به حکومت:

خود در برابر ظاهر قدیر و لالی واکنش نشان می‌دهم



رییس مجلس سنا خواهان روشن شدن اتهاماتی است که از سوی برخی اعضای مجلس بر وی وارد شد است.

فضل الهادی مسلمیار می‌گوید که مقامات حکومت باید اظهارات لالی حمیدزی عضو مجلس را که گفته طراحان حملات انتحاری در منزل برادر وی نگهداری می‌شوند را به گونه جدی بررسی کند.

آقای مسلمیار روز جمعه در کابل به خبرنگاران گفت: هرگاه این اتهامات درست ثابت نگردد، این عضو مجلس باید محاکمه شود.

او گفت: گفته‌های لالی و حاجی ظاهر قدیر را تقبیح می‌کنم؛ تقاضای من از رییس‌جمهور و رییس اجرایی این است که این موضوع را بررسی کنند. هرگاه موضوع طوری که امنیت ملی رد کرده، حقیقت نداشته باشد، من از مجلس برای خود و خانواده‌ام خواهان اعاده حیثیت هستم. من یک هفته وقت به حکومت می‌دهم و پس از آن از خود در برابر این‌ها عکس‌العمل نشان خواهم داد.»

زاخیل‌وال دادگاهی ...

صورت اثبات جرم این عده مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

عباس ابراهیم زاده، یکی از اعضای پارلمان افغانستان نیز گفت، زاخیل‌وال به عنوان وزیر مالیه سابق دولت افغانستان، نیم میلیارد دالر از افغانستان خارج کرده... و در عقد قراردادهای داخلی اختلاس گسترده‌ی را سازماندهی کرده است.

ابراهیم‌زاده خاطر نشان کرد که زاخیل‌وال بزرگترین فساد مالی را در افغانستان مرتکب شده و باید حکومت وحدت ملی، وی را به مقامات قضایی معرفی کند.

شماری از اعضای مجلس، از رییس دولت وحدت ملی به دلیل حمایت از این مقام فاسد به شدت انتقاد کرده‌اند.

آنان گفته‌اند که به دلیل حمایت مالی و پولی گسترده آقای زاخیل‌وال از پول بیت‌المال در کمپاین‌های انتخاباتی آقای غنی، رییس‌جمهوری او را به دادگاه نمی‌کشاند.

آنان از نهادهای عدلی و قضایی خواستند پولی را که زاخیل‌وال به بانک‌های بین‌المللی انتقال داده و خانه و جای داد خریده بر گردانند.

هیأت اداری مجلس نماینده‌گان نیز گفته است که باید به گونه جدی اتهامات این دو عضو مجلس بررسی شود.

معاون مجلس گفته که هیچ کس حق ندارد بدون اسناد و شواهد اتهامی را بر کسی وارد کند.

لالی حمیدزی روز چهارشنبه در جلسه عمومی مجلس گفت که از منزل برادر فضل الهادی مسلمیار طراح حملات انتحاری بیرون آورده شده است.

آقای مسلمیار گفت: خانواده‌اش هیچگاه از مخالفان مسلح حمایت نکرده و برعکس در جنگ‌های جاری قربانی‌های زیادی را نیز متحمل شده است.

پیشتر امنیت ملی افغانستان اتهامات این دو عضو مجلس را به شدت رد کرد.

اما لالی حمیدزی نماینده مردم قندهار می‌گوید، به حیث یک نماینده مردم به موقف خود ایستاده است و می‌گوید حکومت باید این قضیه را به گونه جدی بررسی کند.



نیمار:

از مسی درس‌های زیادی می‌آموزم



مهاجم برزیلی آبی‌پوشان کاتالونیا تأکید کرد تیمش در این فصل روی کسب هر دو جام داخلی فوتبال اسپانیا و قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا حساب می‌کند. به نظر نیمار او و هم‌تیمی‌هایش در این فصل شانس زیادی برای تکرار افتخاری که بارسای پپ گواردیولا در سال ۲۰۰۹ با کسب تمامی جام‌ها

رقم زد، دارند.

نیمار که گل سوم از پیروزی ۳ بر صفر بارسالونا مقابل بایرن مونیخ در دور رفت از مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا را به ثمر رساند، با اشاره به آن بازی گفت: آن بازی برای ما و هواداران فوتبال عالی بود. هواداران بارسالونا از تماشایش لذت بردند چون واقعاً خوب بازی کردیم و همه چیز بر وفق مرادمان پیش رفت. ۹۰ دقیقه دیگر باید بازی کنیم تا رؤیایمان کامل شود. حریف‌مان تیم سرسختی است و در بازی برگشت هم باید آن را شکست دهیم.

وی درباره شانس کاتالان‌ها برای کسب سه گانه قهرمانی لالیگا که در جدول رده‌بندی آن صدرنشین است، جام حذفی اسپانیا که به فینال آن راه پیدا کرده و لیگ قهرمانان اروپا که در آستانه صعود به فینال قرار گرفته است، تأکید کرد: هدف ما امسال کسب هر سه جام است. از ابتدای فصل تاکنون هدف ما رسیدن به هر سه جام بوده و هر چه می‌گذرد به این هدف نزدیک‌تر می‌شویم. شنبه یک بازی دیگر در لالیگا داریم و باید در این بازی بجنگیم تا به هدفمان نزدیک‌تر شویم.

ستاره برزیلی کاتالان‌ها درباره جو دوستانه‌یی که در حال حاضر بر رختکن تیم حاکم است، تأکید کرد: من هرگز حرکت مسی (در بازی بارسالونا برابر کوردوبا) برای تقدیم ضربه پنالتی‌اش به من را فراموش نمی‌کنم. او می‌توانست با زدن آن گل هت‌تریک کند اما گذاشت من آن ضربه را بزنم. او بهترین بازیکن دنیاست و من قدردان کاری که انجام داد هستم. از مسی درس‌های زیادی می‌آموزم و چنین حرکتی برایم آموزنده است.

نیمار درباره فینال لیگ قهرمانان اروپای فصل جاری در برلین و شانس تیمش برای رسیدن به این بازی عنوان کرد: پیش بینی درباره این بازی سخت است چون پای چهار تیم در میان است. نسبت به بایرن مونیخ شانس بیشتری برای صعود داریم اما یوونتوس، رئال مادرید و بایرن مونیخ همگی بازیکنانی دارند که می‌توانند همه را غافلگیر کنند. مطمئناً بارسالونا هرآنچه در توان داشته باشد انجام می‌دهد. در ۹۰ دقیقه بازی برگشت در آلیانز آرنا هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.

ونگر:

نیازی به دی‌پای نداریم



ممنوعیت دی‌پای که مورد توجه لیورپول و پاری سن ژرمن قرار داشت، سرانجام از منچستر یونایتد سر درآورد. آرسن ونگر تأکید کرد سران تیمش به هیچ وجه به دنبال خرید دی‌پای نرفته بودند، زیرا توپچی‌ها در پُست او بازیکنان خوب زیادی را در اختیار دارند.

ونگر در این زمینه گفت: دی‌پای و نوع فوتبالی را که بازی می‌کند، دوست دارم اما باید تأکید کنم در تیم من بازیکنانی که مانند او بازی می‌کنند، زیاد است. نمی‌خواستم او را به لندن بیاورم چون بازیکنانی که خودم در اختیار دارم به اندازه کافی خوب هستند. اگر به بازیکنانی که در اختیار دارم نگاهی بیندازید، متوجه می‌شوید سطح و کیفیت تیمم تا چه حد بالاست. اگر بخواهیم تیم را قوی‌تر از این هم بکنیم، باز هم به دنبال خرید یک بازیکن مانند دی‌پای نخواهیم رفت. هدف اصلی ما در فصل نقل و انتقال‌های تابستانی خرید یک هافبک مهاجمی است.

آرسنال که اکنون در رده سوم جدول رده‌بندی لیگ برتر انگلیس قرار گرفته است، در این هفته از رقابت‌ها در ورزشگاه امارات میزبان سوانسی خواهد بود.

پیکه:

پپ گواردیولا به خوبی ما را می‌شناسد!

مدافع ۲۸ ساله کاتالان‌ها تأکید کرد: وقتی مسی در اوج باشد کسی قادر به مهار او نیست.

جرارد پیکه در خصوص پیروزی ۳ بر صفر بارسالونا بر بایرن مونیخ در دور رفت از مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا گفت: بازی حساسی بود. بارسالونا در دفاع خیلی خوب کار کرد چون اجازه ندادیم حتی بایرنی‌ها به سمت دروازه ما شوت بزنند. وقتی به تیمی همچون بارسالونا اجازه زدن شوتی به سمت دروازه را نمی‌دهید خیلی هیجان‌انگیز است. ما از موقعیت‌های خود به نحو احسن استفاده کردیم و در ضدحملات به بایرن لطمه زدیم. وی افزود: می‌دانستیم که در این بازی به طور یک طرفه مالک توپ و میدان نخواهیم بود و آنها هم سعی در این کار خواهند داشت. نمی‌دانم که آیا مانوئل نویر بهترین دروازه‌بان جهان است یا خیر ولی ما مارک آندره تراشتگن و کلودیو براوو را داریم. نویر دروازه‌بان خوبی است ولی ما هم گل‌های کمی دریافت کرده‌ایم که این نشان از کیفیت دروازه‌بان‌های ما دارد.

مدافع ملی‌پوش آبی‌پوشان در ادامه عنوان کرد: پپ گواردیولا به خوبی ما را می‌شناسد و می‌داند که اگر مسی در اوج باشد کسی قادر به مهار او نیست. لیونل دو گل فوق‌العاده به ثمر رساند. به هر حال در فوتبال نمی‌توان حدس زد که چه اتفاقی خواهد افتاد. بایرن مونیخ تیم خیلی خوبی است، ولی ما در بازی برگشت هم به دنبال گلزنی خواهیم بود و آنها باید حداقل پنج گل به ما بزنند.

یحیی توره منچستر سیتی را ترک می‌کند

مدیر برنامه‌های هافبک منچستر سیتی خبر داد به احتمال خیلی زیاد این بازیکن ۳۱ ساله در تابستان پیش‌رو ورزشگاه اتحاد را به مقصد تیم دیگری ترک خواهد کرد.

در حالی که دو سال از مدت زمان قرارداد فعلی یحیی توره با باشگاه منچستر سیتی باقی مانده این بازیکن از ماه گذشته میلادی مذاکرات خود را برای تمدید قرارداد احتمالی‌اش با این باشگاه انگلیسی از سر گرفته ولی ظاهراً مذاکرات بین طرفین خیلی خوب پیش نمی‌رود و همین زمزمه‌هایی مبنی بر جدایی این هافبک ۳۱ ساله را از جمع آبی‌های شهر منچستر بر سر زبان‌ها انداخته است.

یحیی توره ساحل عاجی که در حال حاضر دستمزد هفتگی ۲۶۵ هزار پوندی از منچستر سیتی دریافت می‌کند به شدت مورد توجه تیم فوتبال اینتر است که هدایتش را روبرتو مانچینی، سرمربی پیشین من سیتی بر عهده دارد.

دیمیتری سلوک، مدیر برنامه یحیی توره در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «اسکای اسپورت» در خصوص آینده حرفه‌ای هافبک سیه‌چرده من سیتی گفت: به احتمال ۹۰ درصد یحیی در این تابستان منچستر سیتی را ترک خواهد کرد. البته هنوز هیچ چیز قطعی نیست و باید تا آخرین لحظه فصل جاری منتظر بمانیم. یحیی توره که در تاریخ ۱۳ می ۲۰۱۵ (۲۳ اردیبهشت) ۳۲ ساله می‌شود در سال ۲۰۱۰ از بارسالونا به منچستر سیتی ملحق شد و با این تیم دو قهرمانی در لیگ برتر و یک قهرمانی در جام حذفی انگلیس را تجربه کرد.



طالبان پاکستانی چرخیال دیپلمات‌ها را سقوط دادند

سفیر فلیپین و ناروی در اسلام آباد کشته شدند



تله کابین) در نواحی کوهستانی منطقه گلگیت بودند که یک فروند آن روی ساختمان یک مدرسه سقوط کرد و باعث آتش سوزی در مدرسه شد. هنوز اخباری از احتمال تلفات در میان دانش آموزان مدرسه منتشر نشده است. بعد از این سانحه، نخست وزیر پاکستان با لغو برنامه افتتاح طرح عمرانی، سفر خود را به گلگیت نیمه تمام گذاشت و به اسلام آباد بازگشت. محمد نواز شریف ضمن ابراز تاسف از رویداد این سانحه، به خانواده‌های جان باختگان تسلیت گفت.

تحریک طالبان پاکستان مسوولیت سقوط مرگبار بالگرد حامل سفرا و دیپلمات‌های خارجی در شمال غرب پاکستان را برعهده گرفت. گروه تحریک طالبان پاکستان جمعه حدود یک ساعت بعد از سانحه که در منطقه گلگیت در شمال پاکستان رخ داد، با صدور بیانیه‌یی به زبان اردو، مدعی شد که حمله عوامل طالبان موجب سقوط این بالگرد شده است. هنوز منابع دولتی و رسمی پاکستان صحت ادعای طالبان را تایید نکرده اند. در صورتی که ادعای طالبان مبنی بر هدف قرار دادن این بالگرد صحت داشته باشد، باید این حادثه را مهم ترین حادثه تروریستی به دست عوامل طالبان بعد از حمله مرگبار این گروه به مدرسه پیشاور در سال گذشته دانست که در جریان آن حدود ۱۵۰ دانش آموز کشته شدند. بر اثر سقوط ظهر جمعه یک فروند بالگرد حامل ۱۱ دیپلمات خارجی در شمال پاکستان، «لیف لارسن» سفیر ناروی و «دومینگو دی لوسناریو» سفیر فلیپین در پاکستان و نیز همسران سفرای مالزی و اندونزی کشته شدند. همچنین سفرای لهستان و هالند نیز در این سانحه که در منطقه گلگیت در شمال پاکستان رخ داد، به شدت مجروح شدند. حال برخی از مجروحان وخیم گزارش شده است.

همچنین دست کم دو نفر از خدمه این بالگرد نیز کشته شده‌اند. این بالگر حامل ۱۱ تبعه خارجی و شش تبعه پاکستانی بود.

بنا به دعوت رسمی نخست وزیر پاکستان، سه فرود بالگرد در حال حمل سفرا، دیپلمات‌ها و اعضای نمایندگی‌های خارجی مقیم اسلام آباد از ۳۷ کشور مختلف جهان برای شرکت در مراسم افتتاح یک طرح بزرگ گردشگری

دیدار رائل کاسترو با پوتین در مسکو



روسای جمهور کوبا و روسیه با یکدیگر در مسکو دیدار کردند.

به گزارش شبکه خبری یورو نیوز، رائل کاسترو، رئیس جمهور کوبا یکی از معدود مقام‌های خارجی است که در مراسم هفتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم در مسکو روسیه شرکت می‌کند.

وی با ولادیمیر پوتین، همتای روس خود در مسکو دیدار کرد و این دیدار در حالی صورت گرفته که کوبا و آمریکا روابط نه چندان مناسب خود را اخیراً بهبود بخشیده و روسیه نیز به دنبال به دست آوردن متحدانی در امریکای لاتین است. قرار است در مراسم هفتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی بر نیروهای نازی در ۱۹۴۵ که روز شنبه برگزار می‌شود ۱۶ هزار سرباز ارتش روسیه در میدان سرخ مسکو به رژه بپردازند.

این نمایش قدرت نظامی روسیه به جهان در بحبوحه انتقادهای غرب به اقدامات کرملین در قبال اوکراین صورت می‌گیرد.

استعفای رهبران ۳ حزب بریتانیا در پی شکست در انتخابات

به گزارش پایگاه خبری اسکای نیوز، پس از آنکه مشخص شد حزب کارگر انگلیس در رقابتی تنگاتنگ از محافظه‌کاران به رهبری دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس شکست خورده است، رهبر حزب کارگر از سمتش کناره‌گیری کرد.

در همین حال روزنامه گاردین گزارش داد، نیک کَلگ، رهبر حزب لیبرال دموکرات انگلیس در پی نتایج ضعیف حزبی در انتخابات پارلمانی استعفا داد. نیک کَلگ هم‌اکنون معاون دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس است و حزبی توانست تنها هشت کرسی در پارلمان بدست آورد.

در همین حال نایجل فاراژ، رهبر حزب استقلال بریتانیا (یوکیپ) نیز استعفای خود را از این مقام اعلام کرد. حزب وی توانست در جریان انتخابات پارلمانی هفتم می، تنها یک کرسی در پارلمان بریتانیا بدست آورد.



اد میلیبند، رهبر حزب کارگر انگلیس روز جمعه پس از اعلام شکست حزبی در انتخابات پارلمانی از سمت خود استعفا داد.

Mandegar

هزینه‌های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

| شماره | موقعیت اعلان در روزنامه | اندازه | از ۱ الی ۳۰ روز | از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف | برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف |
|-------|---------------------------|----------|-------------------|----------------------------|------------------------|
| ۱ | قسمت بالای صفحه کنار لوگو | 14/4 cm | 60 \$ | 48 \$ | 36 \$ |
| ۲ | نصف پائین صفحه اول | 16/25 cm | 250 \$ | 200 \$ | 150 \$ |
| ۳ | بندر در صفحه اول یا اخیر | 3/25 cm | 70 \$ | 56 \$ | 42 \$ |
| ۴ | مکمل صفحه داخلی | 36/25 cm | 350 \$ | 280 \$ | 210 \$ |
| ۵ | قسمت بالای صفحه اخیر | 12/6 cm | 100 \$ | 80 \$ | 60 \$ |
| ۶ | نصف پائین صفحه اخیر | 16/25 cm | 250 \$ | 200 \$ | 150 \$ |
| ۷ | در قسمت بالای وب سایت | | برای 7 روز 400 \$ | برای 14 روز 600 \$ | برای 30 روز 1200 \$ |